

## سیف‌الدوله حمدانی و روابط خارجی او

### جمشید منتشلو

دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی و مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس کردستان

#### چکیده

دوره حکومت سیف‌الدوله بر حلب از سال ۳۳۳ تا ۳۵۷ ه.ق به مدت بیست و دو سال بود، بدون تردید یکی از دل‌مشغولی‌ها اساسی در زمینه سیاست خارجی، موضوع برخورد با دولت روم و همچنین دولت‌های هم‌زمان و هم‌جوار بوده است، به همین خاطر در بسیاری از موارد روابط طرفین گاهی دوستی و گاهی با تخاصم و دشمنی همراه بود. دولت عباسی در جهان اسلام همچنان سیطره و نفوذ معنوی خود را حفظ کرده بود، در جهان اسلام علاوه بر این دولت بزرگ اسلامی چندین دولت کوچک مستقل و نیمه مستقل وجود داشت که مشغول فرمانروای بودند. از آنجا که حکومت سیف‌الدوله در حلب یکی از دوره‌های مهم در روابط و مناسبات با دولت روم و دولت‌های کوچک اسلامی بود، بنابراین سؤال اصلی در این تحقیق این است که روابط خارجی سیف‌الدوله با این حکومت‌ها چگونه بوده است؟ پاسخ این سؤال با بررسی روابط بین آن‌ها به دست می‌آید.

**واژه‌های کلیدی:** سیف‌الدوله، روابط خارجی، حمدانیان، رومیان، حلب، فاطمیان.

## ۱- مقدمه

سیف‌الدوله در دهه سوم قرن چهارم موفق شد دولت حمدانیان شام را در حلب تشکیل دهد، او در زمانی کوتاهی توانست اساس دولت خود را محکم کند و وجود خود را بر رقبا تحمیل کند و خود را در صحنه سیاسی تاریخ اسلام جا دهد و به عنوان یکی دیگر از دولت‌های کوچک در دل جهان اسلام ظاهر شود و در حوادث تاریخ سیاسی اسلام تأثیراتی داشته باشد.

سیف‌الدوله در سال ۳۳۳ ه. ق موفق شد حلب را از دست اخشیدیان نماینده دولت عباسی بگیرد و به عنوان مرکز حکومت خود قرار دهد و مدت ۲۵ سال حکومت کند و پایگذار دولت حمدانی شام شود و تا سال ۳۹۳ ه. ق همچنان ادامه داشته باشد، سیف‌الدوله از نظر اعتقادی و مذهبی جز دولت‌های شیعی مطرح است که این امر با بازسازی بارگاه امان علی (ع) و بسیاری از بزرگان و عالمان شیعه و همچنین زدن سکه به نام اهل بیت اثبات می‌شود. (ابن ابی جراده: ۱۴۲۵، ج ۱/ ۱۱۲ و طبایخ: ۱۴۰۸، ج ۱/ ۲۵۳)

در زمان حکومت سیف‌الدوله در جهان اسلام و و خارج از جهان اسلام دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقلی بودند که به حکمرانی و فرمانروایی مشغول بودند، دولت عباسی در این زمان به عنوان خلیفه مقبول در جهان اسلام همچنان سیادت معنوی خود را بر جهان اسلام حفظ کرده بود و از آن طرف در خارج از جهان اسلام آن روز دولت روم همچنان پابرجا بود و یکی سر سخت‌ترین رقیب دولت اسلامی بود که همچنان قدرت خود را حفظ کرده بود و روابط این دو دولت همواره بر طریق‌های گوناگون و در زمان‌های مختلف بر اساس دوستی و دشمنی بود ولی بیشتر رنگ و بوی خصمانه می‌داد. (معزی، ۱۳۹۰/ ۵۹)

شام جز مناطق مرزی واز ثغور و عواصم اسلامی محسوب می‌شد و به همین دلیل به لحاظ بافت قومی و فرهنگی دارای یک هویت خود بنیاد و واحد نبودند، به دیگر سخن، ثغور و عواصم به نمادی از «جهان وطنی» هویت اسلامی تبدیل شده بود و طبعاً این میراث، برای ساکنان این منطقه در قرون متمادی باقی ماند؛ به طوری که اهالی این سرزمین‌ها همواره وارث افکار، فرهنگ و تمدن اقوامی از شرق و غرب عالم اسلامی بودند و با ترکیب این ممیزه‌ها هویت جدیدی ساخته بودند.<sup>۱</sup> تصور این که در یک منطقه محدود جغرافیایی، اقوام متعددی، چون اعراب، مسیحیان مستعرب، سقلاویان، فارسیان (با اقوام گوناگون خود)، ترکان، کردها، ارمنی‌ها و... حضور دارند، بسی دشوار است، اما این واقعیت ثغور و عواصم و بازتاب هویت فرهنگی و تمدنی آن بود. (برومند، ۱۳۸۴). در دوران اسلامی نیز آشوب زدگی و وقوع جنگ در این منطقه، باعث حضور فرقه‌های مختلف در شام می‌شد؛ در کنار اهل سنت، شیعیان در پرتو حکومت‌هایی، چون حمدانیان و بنی مرداس در شام، رشد چشمگیری داشتند، متصوفه نیز با طریقت‌های مختلف خود، رباط‌های ثغور و عواصم را منطقه‌ای بکر برای ترویج تفکرات خود و جذب پیرو یافت و بنابراین، همواره در این مناطق اردو می‌زد (همان)

مفهوم و معنای رابطه در این جا منظور ارتباط دو یا چند کشور یا دولت است که ممکن است دولت مستقل و یا نیمه‌مستقل باشد، است، به تعبیری همان روابط بین الملل است که روابط سیاسی، نظامی و فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را دربر می‌گیرد.

دولت‌های دیگری مانند فاطمیان، آل بویه و اخشیدیان در زمان سیف‌الدوله در صحنه سیاسی تاریخ اسلام حضور داشتند. در این تحقیق به رابطه خارجی سیف‌الدوله مؤسس دولت حمدانیان با دولت‌های هم‌زمان و هم‌جوار اشاره شده است. در این باره روابط دولت‌ها و روابط خارجی آنان تحقیقاتی انجام شده است مانند تحقیقی که درباره بررسی روابط دولت‌های شیعی در قرن چهارم هجری که در مجله تاریخ در آینه پژوهش چاپ شده است که به صورت کلی در باره روابط دولت‌ها پرداخته است و

<sup>۱</sup> به ویژه اگر این نکته بسیار مهم را متذکر شویم که این وضعیت منحصر به ثغور اسلامی نبود و مناطق مرزی امپراطوری بیزانس نیز همین تنوع قومی و فرهنگی را داشت و هنگامی که با برچیدن مرزها، دو طرف مرز به یک منطقه واحد تبدیل می‌شد، میراث فرهنگی باقی‌مانده، ملغمه عجیبی از هویت‌های متفاوت و متعارض بود که در سراسر بلاد اسلامی نظیری نداشت.

همچنین درباره روابط آل بویه و حمدانیان مقاله‌ای نیز نوشته شده است که در مجله پژوهش نامه تاریخ چاپ شده، ولی آنچه در این مقاله مهم است درباره روابط خارجی سیفالدوله است که هیچ گونه تحقیق جداگانه‌ای صورت نگرفته است.

در این مقاله ابتدا خلاصه از زندگی نامه سیفالدوله بیان شده است و بعد به تقسیم روابط او به دو دوره قبل از استقلال و بعد از استقلال او پرداخته شده است و همچنین تقسیم دولت‌ها به دو دسته اسلامی و غیر اسلامی مطالبی بیان شده است که از روش تحقیق توصیفی و تاریخی استفاده شده است.

## ۲- زندگی نامه سیفالدوله

سیفالدوله علی بن عبدالله بن حمدان، در سال ۳۰۳ هجری در موصل یا میافارقین مهم‌ترین شهر دیاربکر، به دنیا آمد. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۸/۲۳ و گروه تاریخ: ۱۳۹۰/۲۰۰) پدرش عبدالله به سبب شجاعت در جنگها، به "ابی الهیجا" شهرت یافته و یکی از مردان اهل سیاست بنی حمدان بود (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱۳۴/۵). سیفالدوله به علت شایستگی که از خود نشان داد، در دوره نوجوانی، از جانب برادرش ناصرالدوله به امارت نصیبین منصوب شد و در بیست سالگی، فرماندهی جنگی را علیه برخی قبایل به عهده گرفت، این قبایل قدرت ناصرالدوله را تهدید می کردند که پایان این جنگ به پیروزی سیفالدوله انجامید و شایستگی خود را اثبات کرد. او در سن ۲۵ سالگی برای جنگ با رومیان اعزام شد. آنان همواره به سرحدات و ثغور اسلامی تعرض می کردند. او ابتدا دژ "زیاد" را در قلب روم فتح کرد. پادشاه روم با لشکری دویست هزار نفری برای مقابله با وی آمد. سیفالدوله که در امور نظامی مهارت داشت، در یک جنگ و گریز حساب شده، لشکر روم را به مناطق‌های واقع در بین دژ "زیاد" و دژ "سلام" کشاند. آنگاه با حمله غافل گیرانه، آنها را شکست داد و اسیران زیادی به اسارت درآورد و حتی بر تخت دموستیکوس دست یافت. (النویری، ۱۴۲۳، ج ۱۳۹/۲۶)؛ اما آنچه که باعث شد که او لقب "سیفالدوله" را از خلیفه عباسی متقی بالله بگیرد یاری کردن او بود که به مناسبت پیروزی و شکست دادن بریدیان در این سال متقی خلیفه عباسی به او لقب «سیفالدوله» داد (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۶ / ۵۸). ابن خلدون یاری کردن خلیفه و کشتن ابن رائق را باعث دادن این لقب می داند (ابن خلدون، ۱۳۶۳/ج ۲، ص ۶۴۰). تحلیل آن این است که چون هر دو مورد در یک زمان اتفاق افتاده است، کشتن ابن رائق و راندن بریدیان از بغداد در سال ۳۳۰ ه.ق صورت گرفته است بنابراین دادن لقب برای هر دو مورد می تواند درست باشد. در هر صورت لقب اوقبل از مستقل شدن، توسط خلیفه عباسی به عطا شده بود و این لقب به خاطر قدرشناسی و تشریفات برای صاحب مقام عالی بود که بیشتر جنبه مدنی و دینی داشت در حالیکه القاب خود خلیفه رنگ دینی و معنوی داشت (گروه تاریخ، ۱۳۹۰/۱۹۲) از آن پس وی غیر از جنگ‌هایی که با رقیبان داخلی و شورشیان داشت، چهل غزوه را علیه روم فرماندهی کرد.

سیفالدوله یکی از مهمترین حاکمان دولت حمدانی بود که در دوره او حکومت حمدانی به اوج قدرت خود رسید، سیفالدوله از بزرگ‌ترین و نیک‌ترین امیر حمدانی است که توانست به قوت اراده و پشتکار اغلب نقاط سوریه را در نوردد و قلمروش را از جنوب تا دمشق و از شمال تا حدود امپراتوری روم امتداد دهد. (سامر، ۱۳۸۰/۲۲۹) در زمانی که خلافت عباسی در ضعف و امپراتوری بیزانس در اوان قدرت بود، سیفالدوله با جهاد خویش قلمرو خلافت عباسی را از خطر توسعه طلبی بیزانس حفظ کرد و آن را از دست درازی رومیان حفظ کرد (معزی، ۱۳۹۰/۶۰). او دارای شخصیت تاریخی مشهوری است و مبالغه نخواهد بود اگر بگوئیم به طور کلی او یکی از بزرگان حکام عرب و اسلام است و شهرت او دو علت داشت: اول جنگ‌های او با روم دوم عنایت و توجه وی به فرهنگ و علم و دانش (گروه تاریخ، ۱۳۹۰ / ۲۰۱) او که در اواخر عمر خود فلج شده بود، بعد از عمری جهاد در راه خدا و دفاع از مرزهای اسلامی، در صفر سال ۳۵۶ قمری درگذشت؛ و بدنش را به سوی میافارقین بردند و در کنار قبر پدر به خاک سپردند و بدین ترتیب در جایگاه ابدی آرام گرفت. (طباخ، ۱۴۰۸، ج ۱ / ۲۵۲)

### ۳- روابط خارجی سیفالدوله

سیفالدوله به عنوان بنیان گذار حمدانیان شاخه حلب شناخته می‌شود. وی حکومت خود را در شمال شام که شامل قنسرین، حمص، عواصم و ثغور می‌شد، برپا کرد. روابط خارجی سیفالدوله که بیشتر جنگ و برخوردهای اودر برپایی حکومت و قدرت بخشیدن به آن بود. اوقبل از تشکیل دولت در حلب در بیشتر جنگ‌های ناصرالدوله با بریدیان و خوارج و رومیان، دست راست برادر خود بودو تمام روابط او در سایه برادرش صورت می‌گرفت، بااین حال شایستگی اونیز قابل کتمان نبود (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱۱/۶). سیفالدوله پس از شورش ترکان در واسط، مانند برادرش به موصل فرار کرد. همسایگی دو حکومت اخشیدی و حمدانی که هر دو به سرزمین شام چشم دوخته بودند، به درگیری میان آن‌ها منجر شد. جنگ دو طرف بعد از مدتی صلح انجامید و طی آن، حلب و شام در اختیار سیفالدوله و سایر بلاد شام در اختیار اخشید قرار گرفت بدین ترتیب اوموفق شد دولت خود را تشکیل دهد و بعد از آن روابط او به‌طور مستقل صورت گرفت و با دولت اخشیدیان و رومیان تا دوران حیات ادامه داشت (معزی، ۱۳۹۰ / ۳۹). بیش‌تر دوره‌ی حکمرانی سیفالدوله در حلب به مبارزه با رومیان گذشت. در دوره پیش از تشکیل دولت حمدانی حلب، به علت تلاش‌های کراکوس پیروزی با رومی‌ها بود. در دوره‌ی تشکیل دولت حمدانی توسط سیفالدوله از ۳۳۳ تا ۳۴۹ ق. پیروزی بیش‌تر با او بود ولی از ۳۴۹ تا ۳۵۶ ق. به علت نبوغ نظامی فوکاس، رومیان پیروز شدند. با درگذشت سیفالدوله، عظمت حمدانیان حلب از بین رفت. (طقوش، ۲۱۷/۱۳۸۰-۲۱۸)

### ۴- روابط سیفالدوله قبل از استقلال در سرزمین اسلامی باحکومتگران مستقل و نیمه‌مستقل

#### ۴-۱- روابط با عباسیان

روابط سیفالدوله در زمان قبل از استقلال و تشکیل دولت با عباسیان مناسبات دوستانه و تلاش در حمایت از خلیفه عباسی بود و حتی بعداز استقلال نیز درصدد حذف خلیفه عباسی نبود بلکه تمام سعی او حمایت از آنان بود. باید خاطر نشان کرد که تحولات سیاسی مرکز خلافت و مناسبات حمدانیان با سرداران نظامی مسلط بر دربار عباسیان، چگونگی این روابط را تعیین می‌کرد. حمدانیان به رغم موقعیت مستحکم حسین بن حمدان در دربار خلیفه عباسی و نیز امیرالامرای ناصرالدوله، در بسیاری موارد عملکردی استقلال طلبانه و طغیانگرانه داشتند. (گروه تاریخ: ۱۹۷/۱۳۹۰) اگر نگاه اجمالی به اوضاع داخلی عباسیان در این زمان داشته باشیم متوجه خواهیم شد که خلیفه عباسی در این زمان مقتدرالله بود که سن و سالی نداشت و امور دولت در دست اطرافیان اعم از وزیران و غلامان و اهل و عیال بود. الفخری در این باره می‌گوید: «دولت مقتدر آشفته بود مادر و زن و غلامانش بر او تسلط داشتند و امور دولت و حکومت به تدبیر آنها اداره می‌شد و خلیفه مشغول بازی بود ملک ویران شد و بیت المال تهی ماند و همه جا نفاق افتاد.» (الفخری، ۱۳۶۰ / ۳۵۸)

این توصیف اوضاع خلافت عباسی در این زمان است که بر این اساس طبیعی بود که در این سال چندین حکومت ودولت مانند حمدانیان در موصل و شام و فاطمیان در افریقیه وشورش قرمطیان در نزدیک بغداد پایتخت دولت عباسی و از آن طرف هجوم رومیان شرقی به مرزهای اسلامی را به دنبال داشته باشد (حسن، ۱۳۹۲ / ۵۴۷) در این حال، اهمیت حمدانیان در حفظ سرحدات اسلامی مجاور روم شرقی (ثغور) و نیز حفظ امنیت داخلی قلمرو عباسیان از دست اندازی قبایل کرد و عرب نواحی جزیره، عباسیان را به مدارا با آنان وا می‌داشت. نقش ورابطه سیفالدوله که لقب شمشیر دولت را گرفته بود در این باره قابل تقدیر بود، او بیشتر شورش‌ها و حملات را که دست راست برادر بود دفع می‌کرد (سامر، ۱۳۸۰ / ۲۳۳).

سیفالدوله در سال ۳۳۰ ه.ق توانست حملات بریدیان به بغداد و واسط را دفع کند و مدافع اصلی خلیفه عباسی متقی (۳۲۹-۳۳۳) باشد. متقی بالله و ابن رائق ازدست ابوحمسین بریدی به موصل پناه آورده بودند. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۷/۱۶۲) زمانی که راضی بالله (۳۲۲-۳۲۹) خلیفه عباسی بود به امر او امیرالامرای شکل گرفت و امیر واسط به نام محمد بن رائق زمام امور را به

دست گرفت و لقب "امیر الامرا"<sup>۱</sup> گرفت. (طقوش، ۱۳۸۰/۱۷۳ و قدیانی، ۱۳۸۷، ج ۱/۱۳۷) سیفالدوله بعد از تسلط بر واسط واسط و سرکوب کردن بریدیان مدتی در آنجا فرمانروایی کرد، دوتن از سرداران ترک به نام‌های توزون و خجج در واسط از فرمان سیفالدوله به سبب نپرداختن مقرری سر پیچی کردند. در این زمان ترکان قدرت زیادی داشتند بطوریکه امور خلافت بیشتر در دست آنان بود؛ بنابراین سیفالدوله نتوانست بیش از این مقاومت کند و از خلیفه عباسی حمایت کند به ناچار به موصل رفت. ناصرالدوله نیز که بعد از ابن رائق امیر الامرا شده بود به واسطه حمله توزون به بغداد بیش از یک سال دوام نیاورد، او حمدانیان را بیرون کرد (العبری، ۱۳۷۷/۲۳۰ و خضری، ۱۳۸۸/۱۶۴)

#### ۲-۴- روابط با فاطمیان

رابطه سیفالدوله با فاطمیان قبل از مستقل شدن او در حلب اطلاعاتی زیادی در دست نیست آنچه مشخص است این است که در این سالها این دولت در آفریقه سرگرم امورداخلی و تحکیم پایه‌های حکومت خود در این سرزمین بود و بیشترین مناسبات را با اخشیدیان مصر داشت و بین آنان برخوردهای صورت گرفته است. (ابن طقطقی، ۱۳۶۰/۳۵۹) هم‌زمان با تشکیل حکومت حمدانیان در حلب آنان نیز در آفریقه بودند و آنچه مسلم است هرچند که هر دو از نظری اعتقادی شیعه بودند اما از نظر خط مش سیاسی جدا بودند چرا فاطمیان مخالف عباسیان بودند و آنان به خاطر خطر عباسیان به نقاط دوردست رفتند و حکومت تشکیل دادند ولی حمدانیان مخالف عباسیان نبودند و در قلمرو عباسیان حکومت تشکیل دادند و بیشتر تهدیدهای علیه عباسیان را دفع کردند هر چند که آنان مستقیم باهم ارتباطی نداشتند ولی به خاطر رابطه با عباسیان به طور قطع روابط آنان باهم چندان مناسب نبوده است و حالت خصمانه داشته است. (معزی، ۱۳۹۰/۲۱۱)

#### ۳-۴- روابط با خوارج

خوارج از جمله نهضت‌های بودند که در صد تشکیل حکومت بودند که در منطقه عراق و شام موفق نشدند ولی در شمال آفریقا<sup>۲</sup> موفقیت آنان بیشتر بود. آنان در قلمرو اسلامی مخصوصاً در عراق دست به شورش‌های زدند و آشوب‌های زیادی به وجود آوردند و به عنوان یکی از سرسختترین دشمنان خلافت عباسی بودند. (عاملی، ۱۳۸۷/۴۱۱) نخستین تحرک سیاسی حمدانیان با خوارج به هم پیمانی حمدان بن حمدون با هارون شاری به سال ۲۶۳ ه.ق بازمی‌گشت که دوامی نسبتاً طولانی داشت. حمدان نه تنها به لحاظ نظامی، بلکه به لحاظ تبلیغی نیز امکانات خود را در اختیار خوارج نهاد، اما از آنجا که این هم پیمانی بنابه مصالح سیاسی طرفین شکل گرفته بود و از گرایش استقلال طلبانه حمدانیان ناشی می‌شد، (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۸/۲۶۰) در موقعیتی خطیر از هم گسست. بدین ترتیب، مناسبات حسنه آنان پس از حدود دو دهه به روابطی خصمانه تبدیل شد و حسین بن حمدان به نفع عباسیان، به قلع و قمع آنها پرداخت. (همان، ۳۰۳/۳)

تحرک و جنب و جوش خوارج در قلمرو عباسیان در زمان دولت حمدانی بالا گرفته بود در این زمان نقش سیفالدوله در روابط به‌طور غیر مستقیم تأثیر گذار بود. در سال ۳۱۸ ه.ق مردی در دیار ربیع بر ضد بنی حمدان خروج کرد نام او عرون بود و در ناحیه کفرتوتی خروج کرد و به نصیبین آمد و با مردم آنجا جنگ کردو بسیاری را کشت و اسیرانی از آنان گرفت. یکی دیگر

<sup>۱</sup> -عنوان و لقب مخصوص بزرگترین امرای دولت عباسیان در دوره ضعف و انحطاط خلفای عباسی شکل گرفت. اولین کسی که این عنوان را در دوره عباسیان یافت ابن رائق بود که از طرف خلیفه راضی عباسی این عنوان به او تفویض شد و او بر دستگاه خلافت استیلای تمام یافت و بعد از او ناصر الدین حمدانی در عهد خلیفه متقی این عنوان را یافت و بعد از آن امرای دیلمی آل بویه عنوان امیر الامراء را به خود اختصاص دادند.

<sup>۲</sup> - دو گروه از خوارج در شمال آفریقا موفق شدند که حکومت تشکیل دهند که عبارتند از:

اباضیه اینان پیروان عبد الله بن اباض تمیمی بودند. امتیاز این گروه از دیگر گروه‌های خوارج این بود که با مخالفان خود چندان سخت نمی‌گرفتند؛ که مذهب دولت رستمیان در مغرب میانه در تاهرت تشکیل شد

صفریه این گروه پیروان زیاد بن اصراف بودند. وی کسانی را که از جنگ با مخالفان خودداری می‌کردند در صورتی که با عقیده وی موافق بودند تکفیر نمی‌کرد. حکومت مداریان در سجماسه صفری مذهب بودند. (حسین مونس، تاریخ و تمدن مغرب)

معروف به ابو شعیب در بنی مالک و قبایل ربیعہ خروج کرد و وی را پیش المقتدر بالله بردند. پس از سال ۳۱۸ فرقه اباضیه در سرزمین عمان در نزدیک منطقه بر وی<sup>۱</sup> و جاهای دیگر جنگها کردند و برای خود پیشوائی منصوب کردند که این امام با همه یارانش کشته شدند (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱۴۱/۲) طبری درباره دستگیری عرون آورده است: حسن بن حمدان عرون را اسیر کرد و به نزد خلیفه فرستاد، چون در این جنگها سیفالدوله دست راست برادرش بود، بنابراین نقش او در رابطه با خوارج قبل از فرمانروایی قابل تأمل است. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۶/۶۹۳۷ و حسن، ۱۳۹۲/۶۸۵)

#### ۴-۴- رابطه با بریدیان

در سال ۳۳۰ ه.ق بین سیفالدوله و ابوحسین بریدی در نزدیکی بصره جنگی رخ داد که در آغاز جنگ سیفالدوله شکست خورد، ولی با حمایت برادرش ناصر الدوله توانست بر آنان پیروز شود و جنگ را با پیروزی به پایان برساند، روابط و برخورد این دو برای کسب قدرت بود. (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۶/۵۸)

ابن مسکویه آورده است که به مناسبت پیروزی و شکست بریدیان در این سال متقی خلیفه عباسی به او لقب «سیفالدوله» داد (همان) آنچه که از این لقب می‌توان برداشت کرد این است که نشان می‌دهد سیفالدوله مورد حمایت عباسیان بوده است و به معنایی واقعی شمشیر دولت عباسی بوده است بنابراین نفوذ معنوی دولت عباسی و تأیید او برای مشروعیت و حتی کسب قدرت لازم و ضروری بوده است و به همین خاطر سیف الدوله به واسطه رابطه با دولت عباسی هم دنبال مشروعیت و هم خواهان محبوبیت بود.

#### ۴-۵- روابط با قرامطه

قرامطه از نهضت‌های بودکه از شاخه اسماعیلیان جدا شده، شورش‌ها و برخوردهای با عباسیان داشتند، مناسبات بی‌ثبات در عراق و شام با قرامطه نیز وجود داشت. حسین بن حمدان عملیات نظامی متعددی علیه قرمطیان انجام داد که به منزله سرکوبی دشمنان خلیفه بود، اما با شدت گرفتن دشمنی حمدانیان و فاطمیان در اواخر عمر این دولت، قرمطیان از حمایت سیاسی و حتی تسلیحاتی حمدانیان علیه فاطمیان بهره‌مند شدند. (معزی، ۱۳۹۰/۵۳ و همان ۲۵۴) وقتی ناصردوله در موصل بعد از پدر جانشین شد در واقع سر آغاز ظهور دولت حمدانی در موصل بود و تثبیت پایه‌های این حکومت را در پی داشت بطوریکه شایستگی و لیاقت این امیر روزبه روز بر خلیفه عباسی آشکار می‌شد، آغاز قدرت این خاندان مقابله با رومیان و خوارج و قرامطه بود. (نویری، ۱۴۲۳، ج ۲۶/۱۲۹)

در این دوران نقش سیفالدوله در برخورد و رویارویی با دشمنان خلیفه بیشتر به چشم می‌خورد، بغداد در بین سال‌های ۳۲۴ تا ۳۳۰ ه.ق دستخوش آشوب و فتنه بود و در زمان خلافت الرازی در سال ۳۲۴ ه.ق مملکت اسلامی به گفته ابن اثیر در الکامل: «تمام اهالی غیر از مردم بغداد تمرد کرده و خود سرانہ زیست می‌نمودند و کسی مالیات نمی‌پرداخت فقط شهر بغداد برای خلیفه ماند آن هم ابن رائق حاکم مطلق و فاعل ما یشاء بود خلیفه اندک قدرتی نداشت»<sup>۲</sup> (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۰/۴۷)

<sup>۱</sup>- بخشی است در یمن که دارای روستاها و کشتزارهای زیادی است (معجم البلدان)

<sup>۲</sup>- «بصره در دست ابن رائق و خوزستان در دست بریدی و فارس در دست عماد الدوله بن بویه و کرمان در دست ابو علی محمد بن الیاس و ملک ری و اصفهان و لرستان در دست رکن الدوله بن بویه و بعضی هم در دست وشمگیر برادر مرداویج که هر دو بر آنها در حال کشاکش و ستیز بودند و موصل و دیار بکر و مضر و ربیعہ در دست بنی حمدان و مصر و شام در دست محمد بن طغج و مغرب و افریقا در دست ابو القاسم القائم به امر الله بن مهدی علوی که دومین خلیفه از آنها (فاطمی‌ها) بود. اندلس (اسپانیا) در دست عبد الرحمن بن محمد ملقب به ناصر اموی (خلیفه اموی) و خراسان و ما وراء النهر در دست نصر بن احمد سامانی و طبرستان و گرگان در دست دیلمیان و بحرین و یمامه در دست ابو طاهر قرمطی بود.»

## ۶-۴- رابطه با اخشیدیان

روابط سیفالدوله با اخشیدیان بیشتر بر سر شام شکل گرفت. بنیانگذار حکومت اخشیدیان محمد بن طغج در سال ۳۲۱ ه.ق در مصر روی کار آمد، عمر آن بعد از مرگ سیفالدوله نیز به سر آمد و در سال ۳۵۸ ه.ق جوهر فرمانده فاطمیان مصر را از دست آنان گرفت و به عنوان مرکز این خلافت نوپدید و رقیب عباسیان قرار داد، حکومت عباسیان به خاطر تهدید همین حکومت اخشیدیان را به وجود آورده بودند که بعد از ۳۵ سال مقاومت، از بین رفتند. (معزی، ۱۳۹۰ / ۵۳)

محمد بن طغج در سال ۳۲۴ ه.ق توانست در مصر حمله‌های فاطمیان را دفع کند و لقب اخشید را از طرف خلیفه عباسی دریافت کند. خلیفه عباسی راضی بالله به خاطر وفاداری او شام را نیز تحت قلمرو او در آورد و همین امر موجب کشمکش بین امیران و وزیران شد. سیفالدوله و اخشید هر دو زیر نظر دولت عباسی بودند، سابقه دوستی و رابطه اخشید با حمدانیان به زمان حسین بن حمدان برمی گشت که در قتل وزیر دولت عباسی، عباس بن حسن سهیم بود (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱ / ۴۳۰ و ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۵ / ۸) هر چند که این دوره شاید جز زندگی سیاسی اخشیدیان محسوب نشود اما زمینه و مقدمه تشکیل حکومت و نیز رابطه آنان باهم بی تأثیر نبود.

وجود اخشید به نفع دولت عباسی و حمدانی بود، بطوریکه در سال ۳۳۲ ه.ق اخشید میان توزون و متقی خلیفه عباسی وساطت کرد و میان آنان صلح برقرار کرد و هم‌زمان میان حمدانیان و توزون نیز صلحی برقرار کرد و مقرر شد که متصرفات حمدانیان تا سه سال در دست آنان باشد. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۱ / ۲۱۰ و حسن، ۱۳۹۲ / ۵۲۱) بدین ترتیب دو حکومت با هم همسایه شدند و هر دو به سرزمین شام نظر داشتند تا اینکه کم کم فکر ایجاد دولت مستقل در حلب و تصرف شام در ذهن سیفالدوله نقش بست و در سال ۳۳۳ ه.ق حلب را تصرف کرد و رابطه و مناسبات او با اخشید به درگیری منجر شد بطوریکه او حتی خواهان تصرف مصر بود که با حملات قوی اخشید روبرو شد و شکست خورد. بعد از مدتی اخشید مجبور شد که با سیفالدوله به خاطر منافع مسلمانان صلح کند و حلب را به سیفالدوله واگذار نماید. (حسن، ۱۳۹۲ / ۶۸۵)

## ۷-۴- روابط با رومیان

حکومت عباسی در زمان مقتدر بالله در ناآرامی و بی ثباتی بسر می‌برد و در بیرون مرز اسلامی دولت روم از این ضعف و ناآرامی استفاده کرد و بر مرزهای اسلامی حمله کرد و بسیاری از شهرها از جمله ملیطه را تصرف کرد. در سال ۳۲۲ ه.ق دمستق «قرقاش» با سپاه پنجاه هزاری به سوی ملیطه (مالت) لشکر کشید مالت را محاصره کرد، مدت محاصره به طول انجامید و اغلب مردم از گرسنگی هلاک شدند. او دو خیمه برافراشت بر روی یکی صلیب نصب کرد و گفت: هر کسی که می‌خواهد مسیحی شود به خیمه صلیب دار پناه ببرد که خود و خانواده و مال او در امان خواهد بود و هر کسی که نمی‌خواهد مسیحی شود و به دین اسلام باقی بماند شخص او در امان خواهد بود و ما او را بجای امن نزد مسلمین دیگر خواهیم برد. بیشتر مسلمین به خیمه صلیب دار پناه بردند تا خود و خانواده و مال آنها در امان باشند. آنانی که دست از مال و خانواده کشیده و به اسلام خود ابقا نموده بودند به اتفاق یک به طریق (امیر) بجای امن روانه شدند. رومیان همچنین «سمیسات» را گشودند و مالک آن شدند و بسیاری از قلاع را ویران نمودند و در کشتن و اسیر بردن افراط کردند. بیشتر مملکت به دست آنها افتاد (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۰ / ۲۰).

مقتدر عباسی از رساندن افراد و تجهیزات به مرزها عاجز ماند و این امر جرات و جسارت رومیان را بالا برد و حملات جدی‌تری کردند و اهالی را تهدید کردند و خواهان خراج شدند و بدین ترتیب اهالی به واسطه تهدید رومیان و نپرداختن خراج فرار کردند. در سال ۳۲۷ ه.ق سیفالدوله فرماندهی جهاد بر ضد رومیان را به عهده داشت و او سخت در مقابل فرمانده رومی به نام

کورکوراس ایستاد و پیروزمایی چشمگیری به دست آورد و توانست تا ارمنستان پیشروی کند و اطراف آنجا را ویران کند و مرزهای اسلامی را از دست رومیان حفظ کند. (طوقوش، ۱۳۸۰ / ۲۱۷)

در تاریخ الفی آمده است که در سال ۳۲۹ ه.ق سیف الدوله با سی هزار لشکر متوجه بلاد روم شد و بسیاری از قلعه‌های آنها را فتح نمود و مردم زیادی به قتل رسانید و غنایم بی‌شمار به دست آورد، اما در وقت بازگشتن رومیان سر راه او را گرفته اضافه بر آنچه او از مردم روم کشته بود به قتل رسانیدند و تمامی اموال خود را با زیادتر از آن متصرف شدند. چنانچه سیف‌الدوله با اندک جماعتی به هزار حيله جانی به سلامت بردند (تتوی وقروینی، ۱۳۸۲، ج ۳ / ۱۸۴۵)

## ۵- روابط سیف‌الدوله بعد از استقلال

کشور اسلامی در این دوره به خاطر ضعف خلافت عباسی و نفوذ امیران و درباریان و زنان آشفته بود و در این دوره جهان اسلام و والیان آنان چه آنانی که از طرف خلیفه تعیین شده بودند و چه سرزمینی که به دست سلاطین محلی اداره می‌شدند پیوسته باهم در جنگ و جدال بودند و غرب و شرق بغداد مشغول زدوخورد و مبارزه برای کسب قدرت و سرزمین بودند و نهضتها و قیام‌های بزرگ و کوچک در بیشتر نقاط جهان اسلام شکل می‌گرفت و شعله می‌کشید و خاموش می‌شد.

در این دوره جهان اسلام شاهد خدمات بزرگ فرهنگی و نظامی در سرزمین حلب به فرمانروایی سیف‌الدوله است. این زمان اوج دوران نشاط نظامی و فرهنگی حمدانیان شام به رهبری سیف‌الدوله است و نزدیک به ۲۳ سال به رویاروی با رومیان پرداخت و از تجاوز و یکه تازی در مرزهای اسلامی جلوگیری کرد و این کار تا مرگ او ادامه داشت (قویم الدله: بی تا). سیف‌الدوله در داخل سرزمین اسلامی نیز با بسیاری از مدعیان حکومت و حکومتگران مستقل نیز برخورد و رابطه داشت، او با اخشیدیان و آل بویه روابطی برقرار کرده بود که بیشتر بوی نفع طلبی و قدرت طلبی داشت.

### ۱-۵- رابطه با حمدانیان موصل

اولین دولت که بعد از استقلال با رابطه داشت دولت حمدانیان موصل بود که مناسبات آنان دوستانه و با تعامل بیشتری بود. نظام حکومتی و اداری. حمدانیان که دارای دو امارت مستقل در موصل و حلب شده بودند. این دو امارت، به‌رغم خاستگاه مشترک و نیز مناسبات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی نزدیک، هر یک به‌شيوه‌ای مستقل اداره می‌شدند (معزی، ۱۳۹۰ / ۳۹). امیر سیف‌الدوله حمدانی دارای اختیارات بسیار بود، از جمله برگزاری نماز جمعه، اداره امور جنگ، جمع‌آوری مالیات، رسیدگی به مظالم، نظارت بر عیار سکه و نقوش منسوجات و احتساب (گروه تاریخ، ۱۳۹۰ / ۲۰۶). ساختار حکومت آنان نظامی بود و امرای حمدانی بیش از آنکه سیاسی باشند، جنگاور بودند و ابزار سلطه آنان سپاهیان پر شمارشان بود (سامر، ۱۳۸۰ / ۳۱۹ و ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۶ / ۲۱۴)

روابط دوبرادر باهم تا هنگام مرگ دوستانه بود و آنها همدیگر یاری می‌کردند، سیف‌الدوله چندین بار میان ناصرالدوله و معزالدوله واسطه شد و جانب برادر را رها نکرد. او در سالهای ۳۳۷، ۳۳۴ و ۳۴۸ که از سوی معزالدوله از موصل رانده شد، برادر رایاری کرد و بین آنان صلح برقرار نمود و ضمانت پرداخت خراج رانیز به عهده گرفت. نکته قابل توجه در روابط آنان این است که آنان در دوره فرمانروایی خود هیچ‌گاه به قلمرو همدیگر تعرض نکردند و شاید کمترین برخورد در بین این دو بود (معزی، ۱۳۹۰ / ۵۴)

اما باید توجه داشت که رابطه خصومت آمیز و خصمانه آل بویه و حمدانیان موصل بیشترین مشکل برای سیف‌الدوله بود بطوریکه بیشترین وقت و هزینه را برای او داشت و حتی گاهی مجبور می‌شد که تمام وقت خود را صرف حل این مشکل کند و از توجه به تحرکات دولت روم غافل شود و در بسیاری از مواقع تمرکز و دقت و سرعت عمل را از او می‌گرفت. او بنا به مصالح



سیاسی و وجود دشمن مقتدر روم، مجبور بود که رابطه خود را با این دو دوستانه نگه دارد تا از پشت جبهه نگرانی نداشته باشد و به همین منظور هزینه زیادی به او تحمیل می‌شد (رحیمی، ۱۳۸۲)

## ۲-۵- رابطه باعباسیان و آل بویه

رابطه سیف‌الدوله با معزالدوله تاحدودی خوب و دوستانه بود و این دو که هم‌زمان به فرمانروایی رسیدند، او در بغداد به منصب امیر الامرای دست یافت و سبب رانده شدن ناصرالدوله از بغداد شد و این امر باعث درگیری و جنگ‌های بین آنان منجر شد و در این میان سیف‌الدوله چندان وارد ماجرای آنان نشد و بیشتر وساطت می‌کرد و این کار در بیشتر موارد هم به صلح طرفین منجر شده است. (حسن، ۱۳۹۲ / ۶۸۳)

دولت عباسی که در این زمان زیر نظر آل بویه بود و آنان بیشتر امور را در اختیار داشتند، در این زمان نواحی موصل در اختیار ناصر الدوله بود. نقش سیف‌الدوله در روابط بین آل بویه و حکومت حمدانیان که ریشه اصلی حکومت خود بود بسیار بارز و اثر گذار بود و همواره سعی می‌کرد که روابط خصمانه را از بین این دو بردارد و بین آنان صلح برقرار سازد که ابن خلدون نقش سیف‌الدوله را در برخورد با آل بویه این گونه آورده است: «در سال ۳۳۷ ه.ق، باردیگر، ناصر الدوله عصیان کرد. معز الدوله برفت و موصل را بگرفت. ناصر الدوله به نصیبین گریخت. معز الدوله دست ستم بر رعایا بگشود. آنگاه برادرش رکن الدوله از اصفهان به او نوشت که سپاه خراسان آهنگ جرجان و ری کرده است و از او یاری خواست. معز الدوله به ناچار پیشنهاد صلح ناصر الدوله را پذیرفت و چنان مقرر شد که موصل و جزیره و هر چه سیف‌الدوله از شام و دمشق و حلب گرفته است، از آن او باشد و در سال دو هزار هزار درهم نیز بپردازد. چون پیمان صلح بسته شد، به بغداد بازگشت. ناصر الدوله از نصیبین به میافارقین رفت و یارانش از معز الدوله امان خواستند. ناصر الدوله از آنجا نزد برادر خود سیف‌الدوله، به حلب رفت. سیف‌الدوله به گرمی استقبال کرد و نیک اکرام نمود و با معز الدوله باب مکاتبه بگشود تا بار دیگر مصالحه کردند. بدین گونه که در هر سال دو هزار هزار و نهصد هزار درهم بپردازد و اسیران سنجار را آزاد نماید. سیف‌الدوله از سوی برادر ضمانت کرد و پیمان صلح بسته شد و در محرم سال ۳۴۸ معز الدوله به عراق بازگشت.» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲ / ۶۵۶) در تاریخ گزیده درباره صلح معزالدوله و سیف‌الدوله به اخراج معین و پرداخت ماه به ماه مطالبی بیان شده است که آل بویه رسمیت آنان را بر حلب به شرط پرداختن خراج آل حمدان می‌داند (مستوفی، ۱۳۶۴/۳۴۷)

## ۳-۵- روابط با قرامطه

جنبش پر خطر قرامطه نیز از مدت‌ها پیش، بلکه از نخستین روزهای حیات خود با شام مانوس بود و همواره در میان قبایل بدوی آن، یارانی معتقد به افکار افراطی خود می‌یافت. اسماعیلیه نیز چه آن گاه که از سوی خلافت فاطمی مصر ترویج می‌شد و چه آن گاه که هدف اعزام دعوات اسماعیلی رهبر الموت بود، همواره در شام حضور داشت؛ این حضور به حدی جدی بود که «سلمیه» رسماً مرکز حضور آنها معرفی می‌شود و نیز منابع، «جبل السماق» را که در نزدیکی حلب قرار دارد و شهرها، روستاها و قلاع زیادی را شامل می‌شود به عنوان مسکن اسماعیلیه معرفی می‌نمایند. (هالم، ۱۳۷۷ / ۷۴)

رابطه با قرامطیان قبل از استقلال و در رکاب خلیفه عباسی و برادرش ناصر الدوله خصمانه بود و همواره باهم در جنگ و مبارزه علیه همدیگر بودند بطوریکه نقش سیف‌الدوله به عنوان عامل اصلی بسیار پررنگ بود. (معزی، ۱۳۹۰ / ۵۳) اما بعد از استقلال و تشکیل حکومت در حلب رابطه او با بسیاری از دولت‌ها و نهضت‌ها سیاسی تغییر کرد و مناسبات او بر اساس منفعت طلبانه صورت می‌گرفت و خواهان تثبیت حکومت خود بود، بطوریکه در سال ۳۵۳ ه.ق وقتی قرامطیان آماده حمله به فلسطین بودند از سیف‌الدوله تقاضای کمک کردند، آنان از او خواستند که برای ساختن سلاح و اسباب جنگ مقداری آهن به آنان ببخشد او قبول کرد و به سرعت آن را تهیه کرد و حتی سنگ‌های ترازوی مغازه داران و دروازه‌های رقه را از جاکند و برای آنان فرستاد.

سیف‌الدوله با این کار خواستار روابط به دور از دشمنی بود و حمایت از آنان بر علیه دشمن خود بود و امنیت بخشیدن به قلمرو و دور نمودن آنان از مرزهای خود بود (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۲۵۴/۶ و تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۳ / ۱۸۴۵) اما باید توجه داشت که فعالیت قرامطه گاهی خصومت و دشمنی را در پی داشت و روابط دوستانه را برهم می‌زد چنانچه یک سال بعد از آن در سال ۳۵۴ ه.ق یکی از قرامطیان به نام مروان قرامطی در حمص خروج کرد، سیف‌الدوله به مقابله با او برخاست و او را از میان برداشت (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲، ج ۳ / ۱۸۸۸)

#### ۴-۵- روابط با فاطمیان

سیف‌الدوله زمانی که موفق شد در حلب مستقل شود و دولت تشکیل دهد، در طول ۲۳ سال فرمانروایی خود در حلب هیچ گاه به‌طور مستقیم با فاطمیان برخورد نکرد و تا زمانی که زنده بود دولت فاطمی در مغرب حضورداشت و بعداز مرگ او در سال ۳۵۸ ه.ق مصر توسط آنان تصرف شد و دولت فاطمیان به مصر منتقل شد و بعداز آن به سوی شام لشکر کشیدند؛ اما تنها اتفاقی که در زمان سیف‌الدوله می‌توان به اشاره کرد و روابط غیر مستقیم آن دو، رابطه قرامطه با فاطمیان است و آن در بازگرداندن حجرالاسود که کسانی مثل ابن‌خلدون که مدعی اطاعت‌پذیری قرامطه از فاطمیان هستند، می‌گویند در پاسخ به درخواست منصور خلیفه فاطمی مغرب، قرامطیان حجرالاسود را داوطلبانه به کعبه بازگرداندند. او می‌نویسد: ابوطاهر حجرالاسود را در سال ۳۳۹ ق پس از آن که خلیفه فاطمی، منصور اسماعیل در این مورد به او التجا کرد، برگردانید، (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۵۸۸/۲) و چون سیف‌الدوله در برخی موارد با قرامطیان رابطه داشته است می‌توان به نوعی به روابط این دولت، به‌طور غیر مستقیم اشاره کرد.

#### ۵-۵- رابطه با اخشیدیان

سیف‌الدوله وقتی در واسط از طرف برادرش ناصرالدله به عنوان والی انتخاب شده بود به شام فکر می‌کرد و می‌خواست که به‌وسیله ترکان به این منطقه تسلط پیداکنند اما به خاطر وجود اخشیدیان که علاوه بر مصر برشام نیز تسلط داشتند، باید با دقت عمل می‌کرد، چراکه او مورد حمایت عباسیان قرار داشت؛ اما زمانی که روابط اخشیدیان و عباسیان تا حدودی تیره شد و از آن طرف هم ترکان برامور بغداد تسلط پیداکردند و میدان برای حمدانیان تنگ شد دوبرادر از بغداد متواری شدند ناصرالدوله به موصل رفت و سیف‌الدوله هم با کمک برادرسوی حلب حرکت کرد و آنجا را گرفت. (حسن، ۱۳۹۲ / ۶۸۵)

درباره تسلط سیف‌الدوله بر حلب آمده است که: شرایط حاکم شدن بر حلب برای اوبه دو دلیل مهیا بود، اول اینکه حاکم حلب از جانب اخشیدیان به نام ابوالفتح در آنجا از اخشیدیان ناراضی بود، بنابراین با سیف‌الدوله مکاتبه کرد و خواستار تسلیم حلب به او شد، دوم تهدید فاطمیان بود که اخشیدیان به‌وسیله آنان تحت فشار بودند (ابن ابی جراده، ۱۴۲۵، ج ۱ / ۱۱۱ و سامر، ۲۲۷ / ۱۳۸۰).

رابطه سیف‌الدوله بعداز تصرف حلب با اخشیدیان به جنگ و برخورد نظامی تبدیل شد و بطوریکه سیف‌الدوله خواستار تصرف دمشق شد که با عکس‌العمل شدید اخشید روبرو شد و منجر به شکست او گردید اما پافشاری و اصرار و مقاومت سیف‌الدوله مناسبات را تغییر داد و نتیجه آن منتهی به صلح دو طرف گردید و با شرایط زیر صلح بسته شد که:

شهرهای حمص، حماه، حلب، منج و انطاکیه و شهرهای شمالی سوریه از آن سیف‌الدوله باشد و سایر بلاد شام یعنی از دمشق به طرف جنوب از آن اخشید باشد که برای تضمین و تحکیم دوطرف، سیف‌الدوله با دختر اخشید ازدواج کرد که هزینه‌های زیادی برای این عروسی خرج شد (ابن ابی جراده، ۱۴۲۵، ج ۱ / ۱۱۴ و طباح، ۱۴۰۸، ج ۱ / ۲۳۲)

بعد از مرگ اخشید روابط آنان گاهی تیره و گاهی مناسب بود، بطوریکه شاعر سیفالدوله متنبی در دربار کافوراخشیدی که جانشین اخشید شده حضور یافته و مدتی در آنجا ماندگار شد، بعد از مدتی از دربار او می‌رود و این امر نشان می‌دهد که این دو دولت باهم رابطه‌ای داشته‌اند و رفت و آمدهای در بین آنان برقرار بوده است.

## ۶- روابط با رومیان

مهم‌ترین رابطه سیفالدوله در دوران حکومت خود با دولت روم بود که به سبب نزدیکی دو دولت همواره بین آنان درگیری بوده است. سیفالدوله شهرت گسترده خود را از جنگ با همین دولت به دست آورد و شجاعت و شهامت او نیز قابل ستایش است (سامر، ۱۳۸۰/۲۶۳) در واقع می‌توان رابطه او با دولت روم در دو زمینه بررسی کرد: اول زمینه جنگی و نبردهای او با این دولت که بیشترین زمان را صرف آن کرده است و جنگهای متعددی که در طول ۲۳ سال فرمانروایی با این دولت مقتدر داشته است را جداگانه بررسی کرد. زمینه دوم بعداز جنگ و یا متوقف شدن موقت جنگ که ممکن است در این زمان ارتباطهای دیگری مانند مبادله اسرا و ارتباط علما و شعرا و به‌طور عامیانه جنگ لفظی را بیان کرد که در آن قبل از شروع جنگ و بعداز توقف موقت جنگ صورت گرفته است.

## الف: جنگ جهادی با رومیان

مناسبات و درگیریهای سیفالدوله در طول فرمانروایی خود بیشتر با رومیان بوده است. هم‌زمان با استقرار امارت حمدانیان در شام مقارن بود با اعتلای عظیم دولت بیزانسیان تحت فرمانروایی پرشور و پرنیروی امپراتوران مقدونی که بیشتر وقت و کوشش سیفالدوله مصروف دفاع از سرزمین‌های خود در مقابل یونانیان می‌شد (باسورث، ۱۳۸۱/۱۷۷) این دولت که از زمان فتح شام توسط مسلمانان همواره در حد مرزی جهان اسلام مستقر بود و با اوضاع سیاسی حکومت اسلامی مرزها نیز تغییر می‌کرد و مسلمانان هیچ گاه در مرزهای خود با رومیان نتوانستند نقطه‌ای را به‌طور ثابت نگه دارند، گاهی پیشروی و گاهی عقب نشینی می‌کردند (مشکور، ۱۳۵۰ / ۵۳) تا زمان ظهور حمدانیان در حلب که از شاخه اصلی در موصل جدا شده بودند حالت دفاعی مسلمانان با ظهور شخص سیفالدوله پایه گذار حمدانیان حلب تقویت شد و از حملات رومیان کاست<sup>۱</sup> و حتی مسلمانان حالت تهاجمی به خود گرفتند. از آغاز فرمانروایی در سال ۳۳۳ تا ۳۵۶ ه.ق مرگ او می‌باشد، مهم‌ترین دوران وی علیه رومیان سپری شد و در طول ۲۳ سال فرمانروایی حدود ۴۰ جنگ بر علیه آنان انجام داد (ثعالبی، ۱۴۲۰، ج ۵۰/۱)، او جنگ علیه آنان را از نوجوانی شروع کرد و فرمانده جنگ‌های تابستانی (صوائف) خلیفه عباسی در ثغور را به عهده گرفت و در همان دوره لقب سیفالدوله را دریافت کرد (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۲/۳۳۲) او انگیزه مبارزه با رومیان را با احساسات دینی تقویت می‌کرد و آنان را بدین وسیله قانع می‌کرد که وظیفه دینی را انجام می‌دهند و نیز غنایم به دست آمده را بین آنان تقسیم می‌کرد تا انگیزه مبارزه در آنان بیشتر شود (سامر، ۱۳۸۰/۲۸۰)

ابن خلدون درباره حملات سیفالدوله به روم آورده است که: «سیفالدوله بلاد روم را زیر پی سپرد تا به خرشنه و صارخه رسید و چند دژ را مسخر ساخت و بازگشت.» در ادامه او به حملات رومیان اشاره دارد آورده است: «رومانوس نیکفوروس را دمستق ساخت.<sup>۲</sup> چون رومانوس هلاک شد دو کودک خردسال بر جای نهاد. نیکفوروس در بلاد مسلمین بود. چون بازگشت بزرگان روم گردش را گرفتند و او را به سرپرستی آن دو کودک برگزیدند و تاج بر سرش نهادند. او در سال سیصد و پنجاه و یک به حلب لشکر کشید و سیفالدوله را منهزم ساخت و شهر را گرفت و قلعه را در محاصره افکند. مدافعان قلعه مقاومت کردند و خواهر زاده پادشاه در این محاصره کشته شد. او نیز همه اسیرانی که در نزدش بودند به قتل آورد.» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱/۲۶۹) با این‌همه باید اذعان نمود که گاه سیفالدوله از دشمن نیز طعم تلخ شکست را می‌چشیده است و حملات او گاهی در واقع

<sup>۱</sup> - در تاریخ ابن خلدون ج ۱ درباره دولت روم از آغاز دولت اسلامی توضیحات بسیار کاملی آورده است که در آنجا از حملات دولت روم به مرزهای اسلامی نمونه زیادی را بیان کرده است

<sup>۲</sup> - دمستق در نزد رومیان نام کسی است که بر جانب شرقی خلیج قسطنطنیه حکومت می‌کند

تاخت و تازهای ساده به سرزمین روم بود که هیچ نفع دائمی نداشت جز آن که سبب بروز حملات متقابل می‌شد و گاهی تا حلب را تا ایلاتی خراجگذار تنزل می‌داد (نجلا، ۱۳۷۲/ ۷۷ و العبری، ۱۳۷۷ / ۲۳۶).

مناسبات دولت روم و سیفالدوله بر سر بسیاری از موارد اختلاف می‌افتاد و بطوریکه برای نمونه آنان برای ساختن قلعه‌ها و لشکرگاههای نظامی باهم درگیری داشتند. ثعالی درباره آن اشاره می‌کند: که بنای قلعه‌ای بسیار بزرگ در مرز با رومیان توسط سیفالدوله، اقدامی که خشم پادشاه روم را برانگیخت و موجب هجوم آنان با صلیب اعظم به قلعه شد، اما از سیفالدوله شکست سختی خوردند در این نبرد داماد دمستق به اسارت سیفالدوله درآمد و جمع زیادی از رومیان به قتل رسیدند. (ثعالی، ۱۴۲۰، ج ۱ / ۵۱) در مقابل نیکفوروس در سال ۳۵۴ ه.ق شهر قیساریه را ساخت تا آن را لشکرگاهی علیه مسلمانان قرار دهد تا بدین وسیله بتواند در مقابل مسلمانان مانع ایجاد کند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱/ ۲۶۹)

### ب- روابط سیفالدوله با رومیان بعد از جنگ

سیفالدوله که بیشتر رابطه با رومیان را از طریق جنگ و درگیری داشت، باید توجه داشت که همین جنگ، آبتن آمیزش فرهنگی و تجاری نیز بود، در جریان این جنگ‌ها، خصوصاً در مراحل آرامش و صلح، تبادلات فرهنگی - تمدنی، بارور و پرثمر بود؛ در فصل زمستان که جنگ متوقف می‌گردید و رزمندگان در حال استراحت و آماده‌سازی خویش برای حملات بهاره بودند، تجارت و روابط فرهنگی شکوفا می‌شد؛ تجارت اغلب اوقات راه خود را می‌یافت و حتی از میان بیم و هراس جنگ نیز مسیر خود را می‌گشود؛ تاجران و طالبان سود و درآمد با چاره‌اندیشی‌های گوناگون، کالاهای خود را به شرق و غرب می‌رساندند، نیاز بی‌زانس به حریر و سایر کالاهای سوریه دائمی بود و از دست دادن حاکمیت سوریه این نیاز را منتفی نمی‌کرد، بلکه از راه تجارت می‌بایست بر این کالاها دست می‌یافتند، به هر حال علی‌رغم دشمنی میان دولت اسلامی و دولت بیزانس، تاجران به رفت و آمد عادی خود، خصوصاً در ایام صلح ادامه می‌دادند (سامر، ۱۳۸۰ / ۲۹۰)

یکی از مسائل مهمی که بعد از اتمام شدن جنگ‌های سیفالدوله به چشم می‌خورد، مبادله و تبادل اسیران دودولت است. این امر از عوامل طبیعی جنگ بود که عده‌ای از افراد هر دو طرف اسیر شوند و زمینه‌ای به وجود آید که مناسبات تبادل اسیران فراهم شود و نیز از این عوامل زمینه ساز می‌توان بودن افراد سرشناس هر دو طرف باشد که زمینه مناسبات و ارتباط دو دولت را فراهم ساخته است (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۵ / ۲۱۶ و منتظری مقدم و احسانی، ۱۳۹۰) لازم به ذکر است که مبادله اسیران با تشریفات خاصی انجام می‌شده است و مابین سیفالدوله و پادشاه رومیان هدایایی رد و بدل می‌شد که نشان از اهمیت و مناسبات طرفین است (سامر، ۱۳۸۰ / ۲۹۲)

البته باید یادآوری کرد که منظور از بعداز جنگ تمام شدن جنگ دوطرفه به صورت قطعی نبوده است بلکه منظور قطع شدن موقت جنگ بین دوطرف است که در میان برخی از جنگ‌ها مبادله اسیران انجام گرفته است و در برخی موارد هم به کشته شدن اسیران در میدان جنگ منجر می‌شد که در این باره ابن خلدون می‌گوید: «نیکفوروس در سال سیصد و پنجاه و یک به حلب لشکر کشید و سیفالدوله را منهزم ساخت و شهر را گرفت و قلعه را در محاصره افکند. مدافعان قلعه مقاومت کردند و خواهر- زاده پادشاه در این محاصره کشته شد. او نیز همه اسیرانی که در نزدش بودند به قتل آورد» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱ / ۲۶۹)

همچنان که اشاره شد از عوامل زمینه ساز ارتباط دوطرفه در تبادل اسیران و مهم‌تر از آن وجود افراد سرشناس و مهم در بین طرفین بود که به ایجاد ارتباط و روابط دو طرف تأثیر فراوانی می‌گذاشت (کردعلی، ۱۴۰۳، ج ۱ / ۱۹۱) مثلاً در جنگی بین رومیان و سیفالدوله رخ داد منجر به اسارت هفتاد پاتریک شد که خود برای سیفالدوله مهم بود و از آن طرف ضربه سنگینی برای دولت روم بود که باید زمینه رهایی آنان را فراهم می‌کرد (منتظری مقدم و احسانی، ۱۳۹۰)

یکی دیگر از روابطی که به طور غیر مستقیم سیفالدوله حمدانی ولشکریان او از جنگ با رومیان استفاده می‌کردند، یادگیری بسیاری از فنون و شیوه‌های جنگی آنان و کسب خبر بود. آنان در بسیاری از جنگها از آن روشها علیه خودشان استفاده می‌کردند، بطوریکه آنان از آتش یونانی و خبر دادن به وسیله آتش را یاد گرفتند و نیز صف آرایی و تقسیم لشکر به چندین قسمت از جمله آنان بود (سامر، ۱۳۸۰ / ۲۸۲)

## ۷- روابط علمی و فرهنگی سیفالدوله با رومیان

آنچه در مورد چهره فرهنگی حمدانیان شاخه حلب جلب توجه می‌کند آن است که سیفالدوله شمشیر و قلم را در راه خدمت به اسلام و اعتلای فرهنگی با هم بکار برده است. او در جنگ علیه رومیان علاوه بر جنبه نظامی از شاعران و عالمان و خطیبان نیز کمک گرفته است. با بررسی منابع مشخص می‌شود که عده‌ای از شاعران و عالمان از جنگ سیفالدوله با رومیان حمایت می‌کردند و به تعبیر دیگر باید گفت که عده‌ای از خطیبان در پشت جبهه مردم رابه جهاد تشویق می‌کردند و خطبه‌های جهادی می‌خواندند و عده‌ای نیز در کنار لشکر مسلمانان حضور داشتند و شعرهای حماسی می‌سرودند (ثعالبی، ۱۴۲۰، ج ۱/۱۰۵ و ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۵/۲۲۹)

الخطیب ابویحیی عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل بن نباته از کسانی است که صاحب خطبه‌های مشهور است که در خدمت سیفالدوله بود و بیشتر خطبه‌های او خطبه‌های جهادی بود که برای ایجاد انگیزه مردم برای یاری شاه حمدانی در مقابل رومیان، ایراد کرده است (ابن خلکان، بی تا ج ۳ / ۱۵۶). در تاریخ منتظم ناصری درباره او آورده است که: «سنه ۳۷۴ هجری - سنه ۹۸۴ مسیحی، وفات خطیب ابو یحیی عبد الرحیم بن اسمعیل بن نباته صاحب خطب مشهوره در میافارقین و ابن نباته از ائمه ادب و وحید اعصار بود». (اعتماد السلطنه، ۱۳۱۳، ج ۱ / ۲۸۲) و همچنین در این زمان مانند گذشته هر شاعر و شاعرانی در لشکر حاضر می‌شدند و قبل از جنگ رجزخوانی می‌کردند و در حین جنگ نیز آنان را تشویق و روح حماسی را در لشکریان تقویت می‌کردند.

متنبی یکی از شاعران خوش ذوق و توانایی بود که به دربار سیفالدوله در آمد و در بیشتر غزوات سیفالدوله علیه رومیان شرکت کرد و شعرها و قصائد زیادی در این باره سرود و هدیه و انعام زیادی نیز از شاه حمدانی دریافت کرد (قویم الدوله، بی تا)

ابوفراس نیز یکی دیگر از شاعران بوده است که در جنگ با رومیان اسیر شد و وقتی که او را اسیر و زندانی کردند شعرهای سرود که به رومیان مشهور است. مهم‌ترین اهمیت و توجه سیفالدوله به ابوفراس درباره مناظراتی بود که او با پادشاه روم دستتق داشته است، مبنی بر اینکه خاندان حمدانی ها هم اهل قلم و هم اهل شمشیر هستند و سرزمین را به وسیله قدرت قلم حفظ کرده‌اند و این خاندان حامیان فرهنگ هستند (ثعالبی، ۱۴۲۰، ج ۱ / ۱۰۶)

## ۸- نتیجه

سیفالدوله از جمله فرمانروایان بزرگی بود که در طی ۲۳ سال حکمرانی منشأ خدمات بزرگی برای جهان اسلام بود. هر چند مدت حکمرانی او صرف جنگ و مبارزه شد و بیشترین عمر خود را در میدان جنگ سپری کرد و لباس رزم او همیشه برتن بود اما چهره علمی او نیز در تاریخ این حکومت مایه افتخار است. در زمان تشکیل دولت در حلب حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل و نهضت‌های مختلف در جهان اسلام و خارج از جهان وجود داشتند که با هریک از آنان به نحوی ارتباط داشت. حس قدرت طلبی هر کدام از آنها فرصت تعامل مثبت و روابط دوستانه را از سیفالدوله می‌گرفت و به همین دلیل روابط او با بیشتر دولت‌های هم جوار و هم زمان خصمانه و بیشتر در حال درگیری و نزاع بود. دولت روم که در مرز اسلامی قرار داشت بیشتر روابط خصمانه و گاهی همرا ه با ملایمت را داشت بطوریکه برخوردها و نزاع‌های سیفالدوله در جنگ و مبارزه عواقبی به

دنبال داشت گاهی دولت اسلامی را در معرض خطر جدی قرار می‌داد و او را تا حد خراج گذار این دولت پایین می‌آورد. مناسبات و روابط بعداز جنگ نیز ادامه داشت که مهم‌ترین آن مبادله اسیران بود.

سیف‌الدوله با دولت مستقلی مانند عباسیان و نیمه‌مستقلی مانند اخشیدیان و آل بویه نیز روابطی داشت که بیشتر از نوع درگیری بود و این برای او و حکومت‌های دیگر نتیجه جز اختلاف و ضعیف شدن حکومت اسلامی در برداشت و همچنین سبب از بین رفتن این سلسله حکومت‌ها که به‌طور کلی قائم به شخص بود را به دنبال داشت.

## منابع

۱. ابن ابی جراده، عمر بن احمد (۱۴۲۵) زبدۃ الحلب من تاریخ حلب، محقق / مصحح: زکار، سهیل، دار الکتب العربی، دمشق، چ دوم
۲. ابن اثیر، عز الدین علی (۱۳۷۱)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول
۴. ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا)، وفیات الاعیان، بیروت، دارصادر، بی تا
۵. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۶۰)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ دوم،
۶. ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۸۶/۱۴۰۷)، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر
۷. ادموند کلیفورد باسورث (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی / ترجمه: فریدون به دره‌ای، مرکز باستان شناسی اسلام و ایران، تهران، چاپ: اول
۸. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷) ق، تاریخ منتظم ناصری، محقق / مصحح: محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، چ اول
۹. برومند اعلم، عباس (۱۳۸۴)، مقاله «ثغور شامی و عواصم» مجله تاریخ اسلام، ش ۲۱
۱۰. ثعالبی، أبو منصور عبد الملک بن محمد بن اسماعیل (۱۴۲۰)، یتیمۃ الدهر فی محاسن أهل العصر، محقق / مصحح: مفید محمد قمیحه، دار الکتب العلمیة، بیروت، چ، اول
۱۱. حامد منتظری مقدم و سید محمد احسانی (۱۳۹۰)، مقاله «اسارت و رهایی اسیران در جنگ‌های سیف‌الدوله حمدانی بارومیان»، مجله سخن تاریخش ۱۴ پاییز
۱۲. حسن، ابراهیم حسن (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بدرقه جاویدان، چاپ پنجم
۱۳. خضری، سید احمد رضا (۱۳۸۸)، تاریخ خلافت عباسی (از آغاز تا پایان آل بویه) انتشارات سمت چاپ هفتم
۱۴. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۹۹۳/۱۴۱۳)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ط الثانیة،
۱۵. رحیمی، عبدالرفیع (۱۳۸۲)، مقاله «حمدانیان و شایستگی نظامی و فرهنگی سیف‌الدوله» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره سوم شماره ۳۲ و ۳۳، بهار و تابستان
۱۶. سامر، فیصل (۱۳۸۰)، تاریخ حمدانیان، ترجمه علی رضا ذکاوتی قرگوزلو، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول
۱۷. طباح، محمد راغب (۱۴۰۸) إعلام النبلاء به تاریخ حلب الشهباء، ناشر: دار القلم العربی، حلب، چ، دوم
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵ ش) تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ پنجم،

۱۹. طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰)، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول
۲۰. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۸۷)، امام علی و خوارج، ترجمه محمد سپهری، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
۲۱. قاضی احمد تتوی، آصف خان قزوینی (۱۳۸۳) تاریخ الفی، محقق / مصحح: غلام رضا طباطبایی مجد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چ، اول
۲۲. قدیانی، عباس (۱۳۸۷)، فرهنگ جامع تاریخ ایران، انتشارات آرون، تهران، چ، ششم.
۲۳. قویم الدوله (بی تا)، مقاله «متنبی در دربار سیفالدوله و عضدالدوله» مجله ارمغان دوره ۲۶، ش ۴
۲۴. کرد علی، محمد (۱۴۰۳)، خطط الشام، مکتبه النوری، بیروت، چ، سوم
۲۵. گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۹۰)، تاریخ تشیع، انتشارات حوزه و دانشگاه، قم، سبحان، چ چهارم ابن العبری (۱۳۷۷)، مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول
۲۶. مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد، (۱۳۶۴) تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، چ سوم،
۲۷. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابو القاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چ پنجم،
۲۸. مسکویه رازی، ابو علی (۱۳۷۶)، تجارب الأمم، جلد یکم: مترجم ابو القاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۶۹ ش. جلد ۵ و ۶: علی نقی منزوی، تهران، توس،
۲۹. مشکور، محمد جواد (۱۳۵۰)، اخبار سلاجقه روم، به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن بی بی، کتاب فروشی تهران
۳۰. معزی، مریم (۱۳۹۰)، تاریخ حمدانیان و فاطمیان، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول
۳۱. نجلام، ابوعلالدین (۱۳۷۲)، تحقیقی جدید در تاریخ مذهب و جامعه دروزیان، ترجمه احمد نمایی، انتشارات بنیاد پژوهشهای آستان قدس، مشهد
۳۲. نویری (۱۴۲۳)، نهاییه الأرب فی فنون الأدب، ناشر: دار الکتب و الوثائق القومیة، نشر: قاهره، چاپ: اول
۳۳. هالم، هانیتس (۱۳۷۷)، فاطمیان و سنتهای تعلیمی و علمی آنان، ترجمه فریدون به دره‌ای، انتشارات فرزاد چاپ اول

## Sayyaf al-Dawlah Hamdani and her foreign relations

Jamshid Monteshloo

*PhD in Islamic Civilization and lecturer at Farhangian University, Shahid Modarres Campus in Kurdistan*

---

### Abstract

The period of Saif Dawlah's rule over Aleppo from 333 to 357 AH was for twenty years. Undoubtedly, one of the major concerns about foreign policy was the issue of dealing with the Roman government, as well as the congregations and neighboring states, which is why in many Relations between the parties were sometimes friendship and sometimes with hostility and hostility. The Abbasid government in the Islamic world continued to dominate its spiritual influence, in addition to the Islamic world, there were several independent and semi-autonomous small and state governments that were ruling. Since the Seyfeldouleh government in Aleppo was one of the most important periods in relations with the Romanian government and small Islamic states, the main question in this study was how was the foreign relations of Saif Dawlah with these governments? The answer to this question comes from examining the relationship between them.

**Keywords:** Saif Dawlah, Foreign Relations, Hamdani, Romans, Aleppo, Fatimids.